مقاله

فراتر از توافق شرم‌الشیخ

عباس حاجی‌نجاری
کارشناس سیاسی

سفر ترامپ به مصر برای جاانداختن توافق موسوم به طرح صلح غزه که با تحقیر سران کشورهای شرکت‌کننده در خیمه‌شب‌بازی شرم‌الشیخ همراه بود، اگرچه از سوی برخی رسانه‌های غربی و مرعوبان داخلی به عنوان قدرت و ابتکار عمل ترامپ در حل بحران غزه مطرح و این قمارباز خودشیفته متأثر از آن خود را شایسته جایزه صلح نوبل می‌دید، اما تأمل در ابعاد این طرح و تحولات دوساله جنگ غزه، نشانگر شکست مشترک ترامپ و نتانیاهو در تحقق طرح «اسرائیل بزرگ» با سرکوب جبهه مقاومت است که البته به قیمت شهادت دهها هزار زن و کودک فلسطینی، لبنانی و... تمام شده است. اگرچه در این میان ترامپ تلاش کرده در جریان سفر به سرزمین اشغالی و مصر و طرح مواضع خصمانه و تکرار تهدیدها علیه ایران، راهبرد «نه جنگ نه صلح» را نیز برای برهم زدن نظام محاسباتی مردم و مسئولان کشور و با هدف برهم زدن همبستگی، انسجام و وحدت ملت ایران، دنبال کند

براساس اعلام صریح نتانیاهو، آنچه در پوشش جنایات دو سال اخیر امریکا و رژیم صهیونی علیه مردم مظلوم غزه و با زیر پا گذاشتن اصول انسانی دنبال می‌شد تحقق «طرح اسرائیل بزرگ»؛ با تمرکز بر مهار حرکت مقاومت و به‌زعم خودش نابودسازی آن بود. به عبارت دیگر جنایاتی که در دو سال اخیر و بهانه انتقام از فلسطینی‌ها در عملیات طوفان‌الاقصی از سوی امریکا و رژیم در منطقه انجام شده است هدفش مقابله و مهار حرکت محور مقاومت در منطقه بود که در سال‌های اخیر در کشورهای منطقه توسعه و تعمیق یافته بود، اما نه‌تنها ترامپ و نتانیاهو به اهدافشان در پیشبرد این طرح نرسیده بودند، بلکه مصادیق زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد طرح ترامپ موسوم به طرح صلح غزه بیش از آنکه به نفع فلسطینی‌ها باشد برای نجات نتانیاهو و رژیم صهیونی است، چراکه در عین اینکه او نتوانسته به از اهداف چهارگانه‌اش در این جنگ دوساله نظیر؛ آزادی اسرا از طریق جنگ، نابودی حماس، خلع سلاح مقاومت و کوچ اجباری فلسطینی‌ها از غزه دست یابد، دچار چالش‌ها اساسی و قرار گرفتن رژیم در معرض فروپاشی شده، به‌گونه‌ای که کارشناسان هدف اصلی ترامپ از این اقدام را نجات رژیم صهیونیستی از شکست و فروپاشی و بی‌آبرویی بیشتر امریکا در جهان دانسته‌اند که مصادیق آن عبارت‌اند از:

۱-تبدیل نتانیاهو و رژیمش به منفورترین رژیم در جهان به دلیل جنایات و نسل‌کشی در غزه ۲-عدم‌حمایت متحدان و حامیان قبلی رژیم به دلیل مخالفت‌های مردمی در کشورهای متبوعشان ۳-شناسایی دولت فلسطین توسط اکثر دولت‌های جهان و اخراج دیپلمات‌های رژیم صهیونیستی از برخی از کشورها ۴-افت شدید دفاع از اندیشه صهیونیسم در امریکا و کشورهای غربی، به‌ویژه در نسل جوان این کشورها ۵-تشدید روند مهاجرت معکوس از سرزمین‌های اشغالی و کاهش ورود گردشگران به اسرائیل ۶-بحران اقتصادی رژیم به دلیل هزینه‌های بالای جنگ و تحریم کالاهای تولیدی صهیونیست‌ها در دیگر کشورهای جهان ۷-بحران در ارتش رژیم صهیونیستی به دلیل فرار نظامیان و تمرد آنها از حضور در جنگ ۸-به حاشیه رفتن طرح‌های عادی‌سازی روابط رژیم با کشورهای منطقه، به‌ویژه بعد از حمله رژیم به قطر ۹-تقویت همگرایی در جهان اسلام با تمرکز بر مسئله فلسطین به عنوان مسئله جهان اسلام و تبدیل شدن آن به یک مسئله انسانی و جهانی ۱۰-افزایش نگرانی و بی‌اعتمادی کشورهای عربی به رژیم اسرائیل و امریکا ۱۱-این در حالی است که در نقطه مقابل محبوبیت فلسطین و دفاع از حق حاکمیت آنها جهانی شده و این جنگ دو ساله حماس و مقاومت فلسطین را آبدیده کرده و سبب افزایش گرایش به اسلام در جهان به دلیل مقاومت ایمانی و اسطوره‌ای مردم مظلوم ولی مقتدر غزه در برابر رژیم صهیونی گردیده است. حماس نیز در روند مذاکرات با دوراندیشی توانسته است برخی از ابعاد توافقنامه را به نفع خود تغییر داده و در عرصه میدانی نیز با خروج ارتش رژیم از بخشی از خاک غزه بلافاصله نظامیان حماس در آنجا استقرار یافته و برخی شخصیت‌های موافق حماس را هم به عنوان فرماندار در بخش‌های آزادشده منصوب نموده است. حماس نشان داده است که قدرت نظامی‌اش قابل حذف از غزه نیست. «جان مرشایمر» نظریه‌پرداز و دانشمند علوم سیاسی امریکایی در این زمینه می‌گوید: وقتی از پیروزی‌های نظامی اسرائیل صحبت می‌کنند می‌گویند هر دو گروه حماس و حزب‌الله «سر بریده» شده‌اند. شاید سرشان بریده شده باشد، اما سرهای جدیدی رشد کرده‌اند. حماس و حزب‌الله رهبران جدیدی دارند، آنها جنگجویان زیادی دارند. بنابراین، فکر می‌کنم ایده شکست حماس و حزب‌الله درست نیست.

در عرصه دیگر به‌رغم راهبرد ترامپ و نتانیاهو در تضعیف موقعیت ایران و نیروهای مقاومت در منطقه اکنون نیروهای اصلی مقاومت نظیر حزب‌الله و حماس خود را بازسازی کرده‌اند؛ انصارالله عرصه را در خشکی و دریا بر امریکا و رژیم تنگ کرده و مقاومت عراق به تأثیرگذارترین نیرو در این کشور تبدیل شده است و راهبرد ترامپ برای خلع سلاح حزب‌الله نیز در دولت لبنان با چالش‌های اساسی مواجه شده است.

در مورد ایران نیز اگرچه ترامپ در سخنانش چه در سفر به سرزمین‌های اشغالی و چه در نشست شرم‌الشیخ تلاش کرده است با طرح ادعای غیرمسئولانه و شرم‌آور علیه ملت ایران و دفاع از جنایات سبعانه امریکا در ترور شهید سلیمانی و حملات به ایران در جنگ ۱۲ روزه، ایران را به عنوان تهدیدی علیه کشورهای منطقه معرفی کند، ولی همین سخنان و التماس برای مذاکره به بیان دیگر اعتراف به قدرت ایران و شکست راهبردهای امریکا در مهار نفوذ و توان بازدارندگی ایران است. آنچه مهم است این است که ایستادگی ایران در برابر امریکا و رژیم صهیونی در جنگ دوازده‌روزه و وارد آوردن ضربات کاری به این دو رژیم در کنار حفظ و تقویت آمادگی در دوران پساجنگ، باعث تحکیم و تثبیت موقعیت نظام اسلامی در جهان شده و به همین دلیل است که سران تروئیکای اروپایی با دستور و فشار امریکا، با اعمال «اسنپ‌بک» آرامش و ثبات اقتصادی و اجتماعی کشور را هدف گرفته و به انتظار شکست وحدت و انسجام ملی مردم ایران نشسته‌اند تا به‌زعم خود بتوانند زمینه تسلیم مردم ایران را فراهم کنند.

خبر آخر

رئیس کمیسیون امنیت ملی:

شرم‌الشیخ صحنه بازسازی چهره خون‌آلود امریکاست

شرم‌الشیخ صحنه بازسازی چهره خون‌آلود امریکاست؛ این تئاتر دیپلماسی تغییری در معادلات میدانی منطقه ایجاد نکرده و نمی‌تواند افکار عمومی جهان را فریب دهد.

ابراهیم عزیزی، رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در واکنش به ابراز تمایل دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور امریکا برای صلح و گفت‌وگو با ایران در مطلبی در صفحه شخصی خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «شرم‌الشیخ صحنه بازسازی چهره خون‌آلود امریکاست؛ همان بازیگری که دیروز کنار ماشین کشتار ایستاد و امروز با نقاب صلح ظاهر شده است. این تئاتر دیپلماسی تغییری در معادلات میدانی منطقه ایجاد نکرده و نمی‌تواند افکار عمومی جهان را فریب دهد.»

این اظهارنظر پس از آن صورت گرفته که وزارت امور خارجه ایران در بیانیه‌ای در واکنش به ابراز تمایل ترامپ رئیس‌جمهور امریکا برای صلح و گفت‌وگو با ایران اعلام کرد: «وزارت امور خارجه ابراز تمایل رئیس‌جمهور امریکا به صلح و گفت‌وگو را در تعارض با رفتارهای خصمانه و مجرمانه امریکا علیه مردم ایران می‌بیند. چگونه می‌توان در میانه مذاکرات سیاسی به مناطق مسکونی و تاسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز یک کشور تهاجم کرد و بیش از یک هزار نفر، از جمله زنان و کودکان بی‌گناه را به شهادت رساند و سپس مدعی صلح و دوستی شد!؟ ایرانیان با تکیه بر فرهنگ و میراث غنی تاریخی خود، اهل منطق، گفت‌وگو و تعامل هستند و در عین حال در دفاع از استقلال، عزت ملی و منافع عالیه ایران با شجاعت و قاطعیت عمل می‌کنند.»

دولت

پزشکیان در جلسه هیئت دولت:

توطئه خارجی بی‌تأثیر است، باید مراقب قطب‌بندی‌های داخلی باشیم

رئیس‌جمهور با تأکید بر بی‌تأثیر بودن توطئه‌افکنی‌های خارجی، نسبت به خطرات قطب‌بندی‌های کاذب و اختلافات داخلی هشدار داد و بر ضرورت تحکیم همبستگی و وفاق به جای تخریب و سیاه‌نمایی به عنوان وظیفه‌ای همگانی برای عبور از شرایط حساس کشور تأکید کرد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی دفتر ریاست جمهوری، دکتر مسعود پزشکیان روز گذشته در یکصد و نوزدهمین جلسه هیئت دولت با بیان اینکه بنده نگرانی جدی از بابت توطئه‌افکنی امریکا و دیگران ندارم، چراکه دشمنی آنها با جمهوری اسلامی آشکار است، اظهار داشت: در عین حال به شدت از ناحیه ایجاد و تشدید اختلافات، دامن زدن به قطب‌بندی‌های کاذب و تخریب یکدیگر در داخل نگران هستم.

دکتر پزشکیان این وضعیت را باعث عصبانیت، نگرانی و ناامیدی مردم عنوان کرد و افزود: برخی به جای تحکیم همبستگی، اتحاد و وفاق با همدیگر، به شکل مستمر در حال تخریب، سیاه‌نمایی و زیر سؤال بردن همه‌چیز هستند در این شرایط همه باید دست به دست هم دهیم تا با کمک هم برای عبور از شرایط سخت پیش‌رو، قدم‌های مثبتی برداریم که مردم را امیدوار کند. من مسائل خارجی را حل می‌کنم اما نگران مسائل داخلی هستم.

رئیس‌جمهور دو روز پیش هم در نشستی با استانداران سراسر کشور گفته بود وقتی مردم ببینند که مسئولان با همه توان به دنبال خدمتگزاری خالصانه به آنها هستند، تنش‌های اجتماعی و نارضایتی‌ها نیز کاهش می‌یابد، به شرط آنکه مردم را به خودی و غیرخودی تقسیم نکنیم و اجرای عدالت را در حق همه آنها دنبال کنیم. اینکه اجرای عدالت را شعار محوری فعالیت دولت چهاردهم اعلام کردیم، برای این نبود که بر مبنای این شعار باز هم دسته‌بندی و دعوا به راه بیندازیم، بلکه این شعار را مطرح کردیم تا حول آن وفاق کرده و دعوا و اختلاف را خاتمه دهیم. براساس فرهنگ قرآنی حتی شناعت قولی نباید باعث فروگذاردن منش و خدمتگزاری عادلانه ما شود.

خبر یک

رئیس سازمان انرژی اتمی:

ملاک کار با آژانس انرژی اتمی، قانون جدید مجلس است

ملاک سازمان انرژی اتمی ایران برای کار با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، قانون جدید مجلس شورای اسلامی است.

محمد اسلامی، رئیس سازمان انرژی اتمی روز گذشته در حاشیه نشست هیئت دولت، در جمع خبرنگاران در پاسخ به این سؤال که با توجه به فعال شدن مکانیسم اسنپ‌بک، آیا بازرسان آژانس هنوز در کشور حضور دارند، گفت: ملاک ما برای کار با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، قانون جدید مجلس است. در این قانون دو شرط تعیین شده و مرجع تشخیص، گزارش سازمان انرژی اتمی و تأیید شورای عالی امنیت ملی قلمداد شده است.

وی درباره رایزنی برای گفت‌وگو با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تأکید کرد: با آژانس گفت‌وگو نداریم، بلکه ضوابط و معیارهایی آژانس دارد که طبق آن باید عمل کنیم و ما مقید به عمل به آن هستیم. اتفاقاتی که در کشور رخ داد و نقشی که مدیرکل آژانس داشت، منجر به تصویب قانون جدید در مجلس شد که در کشور لازم‌الاجراست. لازمه اجرای این قانون، اقداماتی است که باید آژانس انجام دهد. آژانس باید پاسخ دهد تا ما گام‌های بعدی را برداریم.

رئیس سازمان انرژی اتمی اضافه کرد: تا این لحظه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هنوز وظیفه قانونی خود را انجام نداده است، در حالی که باید حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران را محکوم می‌کرد، اما چنین اقدامی نکرد و هیچ اعلامیه‌ای درباره تضمین حفظ اطلاعات مربوط به صنعت هسته‌ای ایران صادر نکرده تا بر تعهد نسبت به حفاظت از اطلاعات صنایع هسته‌ای ایران تأکید کند. مادامی که این اقدامات را انجام ندهد، قانون مجلس قابلیت اجرا پیدا نمی‌کند.

رئیس سازمان انرژی اتمی در ادامه از افتتاح یک مرکز پرتودهی در استان اردبیل طی روزهای آینده خبر داد و اظهار کرد: با افتتاح این مرکز، یکی از مشکلات مبتلابه کشور در نگهداری محصولات کشاورزی برطرف می‌شود. این امر یک گام در جهت گسترش مناطق دوازده‌گانه است که از قبل وعده آن را داده بودیم.

اسلامی درباره توافق ساخت چند نیروگاه اتمی در ایران با همکاری روسیه تصریح کرد: از دهه ۸۰ قرارداد بین ایران و روسیه هشت نیروگاه بزرگ‌مقیاس بوده که چهار واحد آن برای ۵ هزار مگاوات در بوشهر پیش‌بینی شده است. قرار بود چهار واحد دوم را ایران متعاقباً اعلام کند. چهار واحد دوم طبق برنامه در هرمزگان پیش‌بینی شد که تفاهمنامه آن تأکید مؤکد طرفین بود تا سریع‌تر اجرایی شود. البته پیش‌قرارداد آن امضا شد و دنبال هم می‌شود. رئیس سازمان انرژی اتمی ادامه داد: بند دوم که برای کوچک‌مقیاس‌هاست در قرارداد دولت‌های ایران و روسیه نیست و به‌عنوان متمم به قرارداد اضافه می‌شود که تفاهم آن را در روسیه امضا کردیم و در روزهای آینده متن اصلی بین ما و روسیه امضا می‌شود. مذاکرات قرارداد اجرایی پروژه با شرکت مربوطه انجام شده است و در آستانه امضای قرارداد هستیم. مکان آن تعیین شده تا با اجرای پایلوت اول در شمال کشور و سپس در سایر نقاط، متناسب با نیاز واحدهای بزرگ صنعتی و معدنی، کوچک مقیاس‌ها را گسترش دهیم.

■ دولت در خصوص بنزین پنهان‌کاری ندارد

سخنگوی دولت هم در حاشیه جلسه هیئت دولت در پاسخ به برخی شایعات در خصوص مصوبه دولت برای افزایش قیمت بنزین گفت: دولت در این خصوص مصوبه‌ای نداشته و هیچ پنهان‌کاری نیز ندارد. در خصوص نرخ بنزین، معیشت مردم و عدم فشار بر اقشار آسیب‌پذیر مدنظر دولت است، اما از واقعیات نیز نمی‌توانیم چشم‌پوشی کنیم.

فاطمه مهاجرانی درباره برنامه دولت برای بنزین در سال آینده گفت: دولت هر کاری هم که بخواهد در رابطه با بنزین انجام دهد، هیچ پنهان‌کاری نخواهد داشت و حتماً با مردم خیلی مستقیم و راحت صحبت خواهد کرد. همچنین موضوع معیشت مردم و جلوگیری از اثراتی که وجود خواهد داشت، بررسی می‌شود. هیچ کس مایل نیست فشاری به مردم وارد شود، اما باید به این نکته توجه کنیم که نمی‌توانیم از واقعیت‌ها چشم‌پوشی کنیم.

اگر بخواهد کاری صورت بگیرد روی سهمیه معمول مردم نیست، بلکه روی سهمیه‌های اضافه‌ای است که وجود دارد. سخنگوی دولت ادامه داد: رقم بالایی را برای واردات بنزین پرداخت می‌کنیم، این عددی است که اگر با مردم صحبت کنیم حتماً راهکارهایی را درمورد آن مطرح می‌کنند.

مهاجرانی با بیان اینکه در یک روز بالغ بر ۱۹۷ میلیون لیتر بنزین مصرف می‌کنیم و میانگین مصرف ما حدود ۱۶۰ میلیون لیتر است، گفت: میزان مصرف همچنان رو به افزایش است. بنزین را با عددی وارد می‌کنیم و با عدد خیلی کمتری می‌فروشیم. تأکید می‌کنم که هر تصمیمی گرفته شود، به‌طور حتم موضوع معیشت مردم و اثرات آن بر اقشار به خصوص آسیب‌پذیر دیده خواهد شد و هیچ تغییری در موضوع سهمیه‌های اولیه افراد اعمال نخواهد شد.

سخنگوی دولت در ادامه با بیان اینکه همه ما وظیفه داریم در پاسخ به پرسش‌های خبرنگاران مسئولانه عمل کنیم، گفت: خبرنگار را به‌عنوان فردی حرفه‌ای می‌دانیم که در جامعه خبرنگاری فعالیت می‌کند و متکفل رساندن صدای مردم به جامعه است. بنابراین همه ما پاسخگو هستیم و طبیعتاً اگر خطایی رخ دهد، به‌راحتی عذرخواهی خواهیم کرد. پذیرفتن و اظهار عذرخواهی، نخستین وظیفه‌ای است که بر عهده ماست. وزیر نیز در این زمینه و معاونت ایشان عذرخواهی کردند.

مجلس

ابهامات برگزاری انتخابات تناسبی شوراها رفع شد

نمایندگان مجلس شورای اسلامی با تصویب یک طرح استفساریه، ابهامات برگزاری انتخابات تناسبی شوراهای اسلامی شهر و روستا را رفع کردند.

به گزارش مهر، در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، کلیات طرح دوفوریتی استفساریه ماده ۲۴ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران و دهیاران تصویب شد.

محمدصالح جوکار در توضیح این استفساریه گفت: نظام انتخاباتی تناسبی به دلیل رعایت عدالت مطرح شد. در دنیا، نظام انتخاباتی اکثریتی، تناسبی یا ترکیبی از این دو است. در کشور ما تاکنون نظام انتخاباتی اکثریتی بوده است، یعنی هر کسی بیشترین رأی را داشته یا هر فهرست انتخاباتی که بیشترین رأی را بیاورد، کرسی‌های مجلس یا شوراها را تصاحب می‌کند. وی ادامه داد: برای مثال، در انتخابات شوراها، اگر یک فهرست ۵۰ درصد آرا را داشته باشد و فهرست‌های دیگر مجموعاً ۵۰ درصد را کسب کنند، کرسی‌های شورا متعلق به آن فهرست ۵۰ درصدی خواهد بود. با این وضعیت ۵۰ درصد آرا برای بقیه فهرست‌ها نادیده گرفته می‌شود و کسانی که به آنها رأی داده‌اند، می‌گویند رأی ما اصلاً خوانده نشد. رئیس کمیسیون امور داخلی کشور و شوراها در مجلس گفت: برای رعایت عدالت انتخاباتی، نظام انتخاباتی تناسبی را برای انتخابات شوراها و فعلاً در تهران در نظر گرفتیم که به قانون تبدیل شده است. وی اظهار کرد: در این طرح استفساریه، برخی ابهامات مطرح شده است؛ وزارت کشور گفته که اگر این موضوع شفاف شود، خواندن آرا و توزیع آن بین فهرست‌ها و نامزدهای منفرد، شفاف می‌شود. ما الان به دنبال رفع ابهام هستیم. جوکار توضیح داد: در تهران، یک لیست و یک فهرست دیگر نمی‌توانند تنها در شورا باشند، بلکه ترکیب فهرست‌های دیگر نیز در دوره بعد شورای اسلامی شهر تهران نماینده خواهند داشت و هر فهرست به اندازه درصد آرا، نمایندگان خود را در شورای تهران خواهد داشت.

ویژه

آقای روحانی! شما رب‌الابل هم نبودی

از عجایب روزگار یکی همین است، مسئولانی که روزگاری با تصمیمات غیرکارشناسی با سرنوشت ملت بازی کرده و اکنون در کنج عافیت نشسته‌اند، ناگهان سربرآورده و به جای پاسخگویی عملکرد سراسر خسران خود به افکار عمومی و مراجع قضایی، طلبکار و داعیه‌دار شوند.

حسن روحانی، رئیس‌جمهور اسبق و خالق برجام نافرجام که عوارض ناشی از آن خسارت محض همچنان بر گرده مردم سنگینی می‌کند، در زمره این جماعت است. هم او که چندی پیش با ترسیم یک دوقطبی انتزاعی و دشمن شادکن «مردم در جنگ ۱۲ روزه در کنار ایران ایستادند، نه در کنار ما حاکمان»، کوشید بین ملت و حاکمیت شکاف و فاصله ترسیم کند. البته این دوقطبی‌سازی رفتار و مرام جاری او در دولتش هم بود و اساساً پیشبرد امورش را بر این دوقطبی‌های کاذب بنا نهاده بود، شاید با این توجیه که کسی از سیاست‌ها و تصمیمات او در دولتش مطلع نشود.

امروز که سال‌ها از دولتش می‌گذرد، رئیس کل بانک مرکزی او که برای پنج سال سکاندار بزرگ‌ترین نهاد پولی و مالی کشور بوده، روایتی از تعیین نرخ دستوری روحانی دارد که شائبه دوقطبی‌سازی‌ها برای دور کردن اذهان از آنچه بر سرنوشت ملت و کشور گذشته را پررنگ‌تر می‌کند. ولی‌الله سیف، رئیس اسبق بانک مرکزی اخیراً اظهارات مهم و قابل تأملی در مورد نحوه تعیین ارز ۴۲۰۰ و فروش سکه در دولت روحانی بیان کرده است. سیف در گفت‌وگو با انتخاب، اصرار روحانی برای پایین آوردن نرخ دلار از طریق ریختن سکه فراوان به بازار را روایت کرده است. او می‌گوید به رئیس‌جمهور گفتم، این دستور مشکلاتی ایجاد می‌کند و اگر ما ذخایر طلا را روانه بازار کنیم، در آینده به مشکل خواهیم خورد. پاسخ‌های روحانی اما به این نگرانی قابل تأمل است؛ «سکه‌ها را بدون محدویت بفروش!» رئیس کل بانک مرکزی در واکنش به این دستور و با طرح این سؤال که بعدش چه شد؟! دو سال دیگر خزانه ته می‌کشد، گفته من دو سال دیگه هستم! بعدش به من چه! انا رب‌الابل!

این نکته تنها یک مورد از بسیاری از مواردی است که روحانی «انا رب‌الابل!» گویان، خود را از همه مسئولیت‌های آینده که بسیاری از آنها ناشی از تصمیمات دولت او بوده، مبرا کرده است. برجام یکی از آن تصمیمات است، بخشی از پرونده کرسنت هم همچنین. در این بین ملتی که جز آه و حسرت از این همه بی‌تدبیری، چاره دیگری ندارند. البته او در پیشگاه ملت خیلی سال پیش محاکمه و دادگاهی شده است، به‌گونه‌ای که در سال‌های پایانی دولتش، میزان مقبولیتش نزد افکار عمومی به پایین‌ترین سطح و به کمتر از ۱۰ درصد رسیده بود. اما این نافی مسئولیت مدعی‌العموم نیست و شایسته است، همه آنهایی که روزگاری در مصادر امور بودند و با تصمیمات خود به ملت و کشور آسیب رساندند، مورد بازخواست قرار گیرند. «انا رب‌الابل» گفتن یک رئیس‌جمهور سابق، مغالطه‌آمیزترین سخنی است که می‌تواند برای فرار از پاسخگویی در آینده باشد. روحانی البته برخلاف ادعایش «انا رب‌الابل» هم نیست که اگر بود، مسئولیت تصمیمات جبران‌ناپذیر دولتش را به عهده می‌گرفت، نه اینکه متوسل به فرافکنی شود.

سرخط

■ ایرنا: حبیب عباسی، معاون روابط عمومی نهاد ریاست‌جمهوری صبح دیروز در حاشیه جلسه هیئت دولت در جمع خبرنگاران اعلام کرد: سه‌شنبه ۲۹ مهر نشست خبری رئیس‌جمهور با حضور رسانه‌های داخلی و خارجی برگزار خواهد شد. وی افزود: رئیس‌جمهور در این نشست وقت مبسوطی اختصاص خواهند داد تا به سؤالات خبرنگاران پاسخ داده شود.

■ تسنیم: رئیس مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی دیروز خطاب به نمایندگان گفت: در روزهای برگزاری جلسات علنی مجلس، کمیسیون‌ها و فراکسیون‌ها حق مأموریت رفتن و این موارد را ندارند پس درخواست نکنند که ما در هیئت رئیسه موافقت نخواهیم کرد.

یادداشت میهمان

سیده آزاده امامی

دوگانه‌های امنیت‌سوز

محمدجواد ظریف چهارشنبه هفته گذشته در هفتمین نشست گفت‌وشنود پیرامون «نظم جهانی و سیاست خارجی ایران» با موضوع «ایران پسابرجام و آینده نظم جهانی» در مؤسسه مطالعات ایران و اوراسیا(ایراس) در اظهاراتی قابل تأمل توانمندی دفاعی و مشخصاً «موشک» را در دوگانه‌ای مغالطه‌آمیز و صدالبته خطرناک در مقابل «مردم» گذاشته و گفته است: «همیشه گفتم موشک بسیار مهم است، اما مردم مهم‌ترهستند!»

این دوگانه مخدوش، گام دوم همان رویکردی است که در خرداد ۹۲ «چرخ زندگی مردم» را مقابل «چرخ سانتریفیوژ» قرار داد و این‌گونه به ملت القا کرد که اگر اوضاع‌شان به‌سامان نیست و چرخ زندگی‌شان آنگونه که باید نمی‌چرخد، گناه سانتریفیوژهاست که به‌سان چوبی لای چرخ زندگی ملت، معیشت‌شان را سخت و روزگار را بر ایشان تلخ کرده است. لاجرم باید سانتریفیوژها را به نحوی «تدبیر» کرد تا چرخ زندگی مردم بچرخد. رویکردی که ماحصلش برجام نافرجامی شد که در همان ابتدای راه و در روزگار پادشاهی‌اش هم به تعبیر رهبر معظم انقلاب «خسارت محض» بود، چه برسد به امروز که به لطف شاهکار «مکانیسم ماشه» چیزی جز عبرت از آن باقی نمانده است و به‌رغم آنکه «چرخ سانتریفیوژها» را از کار انداخت، در چرخاندن «چرخ زندگی مردم» به‌غایت ناکام ماند.

این جریان سیاسی، اما هر بار به مدد سفسطه‌های کلامی با ساختن دوگانه‌هایی جعلی مقوله‌هایی را مقابل هم قرار می‌دهد که نه متعارض، بلکه لازمه و مقوم یکدیگرند؛ مؤلفه‌های قدرت کشور را که اتفاقاً دشمنان همواره درصدد حذف آنها بوده و البته تلاش‌هایشان به لطف الهی تاکنون بی‌نتیجه مانده است، ولی متأسفانه گویی این جریان سیاسی در پی آن است که هر آنچه را دشمن به‌رغم به کارگیری همه ظرفیت‌های سیاسی و اقتصادی و حتی نظامی‌اش از دست یازیدن به آن ناکام بوده، با دوگانه‌سازی‌های مخدوش و مغالطه‌آمیز از کشور گرفته و به او تقدیم نماید!

اگر پس از آن رؤیافروشی کذایی مماشات در موضوع هسته‌ای تنها و تنها به اندازه یک درصد توجیه داشت تا درنتیجه آن بی‌اعتباری این رویکرد و نیز بدعهدی طرف‌های مقابل برای ملت اثبات شود، امروز اما کمترین مسامحه‌ای در خصوص مؤلفه‌های امنیت‌ساز از جانب هیچ فرد و مقام و نهادی به نحو مطلق پذیرفتنی نیست و خیلی جدی باید نسبت به هر فرد و جریانی که چنین سودایی در سر داشته باشد، شک کرد!

این دوگانه همان اندازه غلط و مضحک است که دوگانه «آب و غذا مهم است، اما مردم مهم‌تر!» چه بسا این مورد اخیر - دوگانه آب و غذا و مردم- حتی معنادارتر نیز به حساب آید؛ چه اینکه مردم ترجیح می‌دهند آب و غذا نداشته باشند، اما امنیت‌شان تأمین باشد و دائم دل‌نگران این نباشند که اگر شب خوابیدند، آیا صبح چشم می‌گشایند و عزیزانشان را در کنارشان می‌بینند، یا خدای ناکرده نه! آنچه امروز در غزه در جریان است گواه روشن آن است که توانایی دفاعی تا چه اندازه حیاتی و فقدان آن چقدر فاجعه‌آفرین و مصیبت‌زاست.

جواد ظریف این بار بازی خطرناکی آغاز کرده و به تخطئه چیزی روی آورده که به تعبیر رهبر انقلاب در حکم «مسائل ناموسی کشور» به شمار می‌آید و نظام و ملت بر سر آن با احدی تعارف ندارند.

ناگفته نماند که چند سال پیش هم تلاش مشابهی از سوی مرحوم هاشمی برای خدشه در ضرورت توان موشکی شکل گرفت، اما با واکنش قاطع مقام معظم رهبری مواجه شد؛ معظم‌له در رد گزاره نامعتبری که دنیای فردا را دنیای «گفتمان» دانسته و به‌زعم خویش خواسته بود راهبرد نظام در تقویت بنیه دفاعی را به چالش بگیرد، فرمودند: «این مطالب اگر از روی ناآگاهی گفته شده باشد ناآگاهی است، اگر از روی آگاهی گفته شده باشد خیانت است!»

و به راستی که فقط یک خائن می‌تواند در دنیای امروز که قانون جنگل بر آن حاکم و استیلای منطق قدرت در آن اثبات شده و رؤیاپردازی‌های فانتزی مبتنی بر وثاقت قوانین و حقوق بین‌الملل به شدت به بن‌بست رسیده‌اند، از مؤلفه‌های امنیت‌ساز کشور اعتبارزدایی کرده، در ضرورت آنها تردید ایجاد کند. به‌ویژه در شرایطی که کشور در معرض تهدید وجودی قرار دارد و هنوز آن‌قدر از روزهای جنگ که بمب‌افکن‌ها و موشک‌های دشمن در کشور جولان می‌داد دور نشده‌ایم که عده‌ای بخواهند با سوءاستفاده از فراموشکاری ملت از در تخطئه ابزارهای حفظ بقای کشور و مردم درآیند! روزهایی که اگر نبودند موشک‌ها، هیچ معلوم نبود چه بر سر ملت می‌آمد و جنگ تا کجا به طول می‌انجامید.

برخلاف ادعای جواد ظریف آن‌چه جنگ ۱۲ روزه را پایان داد، یا به عبارت دیگر دشمن را ناگزیر از مطالبه آتش‌بس کرد، نه گفت‌وگو و دیپلماسی که توان موشکی ما بود که قدرت خود را به رخ دشمن کشید و او را از توهمات مالیخولیایی‌اش بیرون آورد و ناچار به طرح درخواست پایان جنگ کرد! والا دیپلماسی اگر هنر داشت در میانه مذاکرات با حمله نظامی این‌گونه بی‌اعتبار نشده و جایگاهش به سخره گرفته نمی‌شد.

چه توجیهی برای شکل دادن به این دوگانه مخدوش هست وقتی در روزهایی نه‌چندان دور این حقیقت به اثبات رسید که «موشک»، نه در مقابل «مردم» که اتفاقا مدافع و حافظ مردم در برابر تجاوز جنایت‌کارانی بود که دو سال است بی‌پروایانه و بی‌هیچ مانع و رادعی به نسل‌کشی مشغول و از هیچ جنایتی فروگذار نکرده‌اند؟

چه توجیهی برای اهم و مهم کردن مولفه‌هایی است که یکی اساسا برای صیانت از دیگری به وجود آمده و به این ترتیب هرگونه تلاشی برای معنازدایی از این رابطه و وارونه‌نمایی آن، آیا جز خیانت است؟

در شرایطی که دشمن متجاوز به این آب و خاک از فرصت توقف جنگ به منظور تقویت و ارتقای توان نظامی خود بهره می‌گیرد و تمامی اخبار حکایت از تجهیز رژیم نحس توسط دوستان امریکایی و اروپایی‌اش دارد، هرگونه ابهام‌آفرینی درخصوص توان دفاعی آیا جز در راستای همراهی با دشمن و بی‌دفاع کردن کشور برای تهاجم احتمالی آینده دشمن معنای دیگری دارد؟

در مقطعی که به اذعان همه تحلیل‌گران سطح تخاصم بین جمهوری اسلامی و دشمنانش به درگیری وجودی رسیده و شرایط به نحوی است که اگر موشکی در میان نباشد، سرنوشتی چون سوریه و لیبی در انتظار ایران است، خدشه کردن در کم و کیف توان دفاعی جز خیانت و تکمیل پازل دشمن چه معنای دیگری می‌تواند داشته باشد؟ در حالی که محدودسازی توان موشکی جزء شروط همیشگی امریکائی‌ها و اروپایی‌ها بوده تا به تعبیر آنها امنیت اسرائیل به این شیوه تأمین و تضمین شود، طرح بحثی که نتیجه‌اش دقیقاً معطوف به تحدید توان موشکی است، چه معنایی جز تلاش برای پیگیری مطالبات دشمن دارد؟ آیا این جز خیانت است؟